



حقوق جنگ را تحمیل کردند.

امروز در بحران کرونا با وضعیتی مواجهیم که مسائل بسیار مهمی را ایجاد کرده است. اگر بحث حقوقی به وجود آمد که عبارت از تقابل میان آزادی و امنیت بود و بحث می شد که کدام یک بر دیگری ترجیح دارد و تا چه حد و به چه صورتی می شود به استناد حفظ امنیت، آزادی شهروندان را محدود کرد، پس از بحران کرونا، با این بحث مواجه خواهیم شد که اگر سلامت عمومی به عنوان یکی از عناصر مهم زیست انسانی به مخاطره بیفتد تا چه حد می شود برای حفظ آن، آزادی شهروندان را محدود کرد؟

اتفاقات امروز نشان داده که سلامت عمومی برخلاف پنداشت های پیشین ما موضوع ساده ای تلقی شده، می تواند به وضعیتی تبدیل شود که نیازمند قانون گذاری نه در شرایط عادی، بلکه در شرایط بحرانی و نه ملی بلکه منطقه ای و فراتر از آن بین المللی است. پیش بینی می شود در سال های آینده به تدریج جامعه جهانی به سمت قاعده گذاری در خصوص سیانت از سلامت عمومی برود که در واقع برای حفظ جان مردم در یک قلمروی سرزمینی یا در همه کشورها ضرورت دارد.

قوانین و مقررات کشور ما در حوزه بهداشت و سلامت عمومی با دیدگاه سنتی تنظیم شده و جلو رفته است؛ زیرا یک بخش قانون گذاری عمدتاً مبتنی بر پیش بینی آینده و بخش دیگر آن مبتنی بر پاسخ دهی به مسئله موجود است. شاید هیچ گاه چنین حادثه ای به این سبک در دوره قانون گذاری های جدید رخ نداده بود تا قانون گذاران را وادار کند در خصوص این موضوع بیندیشند که در چنین مواقعی نیاز به چه قوانینی داریم و سلامت عمومی تا چه حد می تواند آزادی های فردی را محدود کند.

مقابله با یک بحران بهداشتی و بحرانی که سلامت عمومی را به خطر می اندازد، به معنای این نیست که ما هر کاری را در هر شرایطی بتوانیم انجام دهیم. اتفاقاً یک بخش یادداشت های روزنامه ها و مطبوعات در فضای مجازی در این چند روز رصد رفتار مردم در مقابل این بحران و رفتار حکومت ها در این بحران بوده است. فرض کنید برای حفظ جان شهروندان خویش محموله ماسک را برداشته اند یا اسمش را هر چه می خواهیم بگذاریم. این ها نشان می دهد که در چنین بحرانی هر کاری می توانید انجام دهید و بگویید این شهروند مقدم بر آن پناهجو است.

بحث دوم مربوط به این است که بحران کووید ۱۹ یک مسئله مهم جزائی و جرم شناختی را مطرح کرده است؛ با طرح این پرسش که این بحران چه تأثیری بر بزهکاری در کشورها یا در جهان خواهد داشت. در این چند روز که من نوشته های منتشره در منابع خارجی و داخلی را دیده ام و بیشتر گزارش بوده اند؛ گفته شده بود این بحران سبب کاهش بزهکاری در پاره ای از موارد و افزایش بزهکاری در موارد دیگری شده است. موقعی که شما جمعیتی را در قرنطینه نگه می دارید و افراد مجبور هستند در خانه بمانند؛ اتفاقاتی می افتد که می تواند موجب کاهش یا افزایش بزهکاری شود. اینکه دارم می گویم صرفاً قرنطینه نیست؛ گفته شده فاصله گذاری اجتماعی، ممنوعیت تردد، اجبار در خانه ماندن، محدودیت در خروج از منزل که در کشورهای متعدد اعمال شده، سرقت از منازل را کاهش داده است. برای اینکه سرقت از منزل یک هدف است و موقع حضور افراد در خانه طبیعی است که این هدف برای سرقت انتخاب نمی شود.

کیف قایبی، جیب بری معمولاً در اماکن پرتردد رخ می دهد و با کاهش تراکم جمعیتی، بالطبع بزهکاری ها کاهش می یابد و گزارش ها هم همین را نشان می دهد. در جرائم مرتبط با فعالیت های شغلی، شرکتی، روابط کارگری، کارفرمایی، به علت تعطیلی کارگاه ها و کارخانه ها و عدم فعالیت یا کندی فعالیت، طبیعی است که کاهش بزهکاری خواهیم داشت. نزاع های خیابانی کاهش پیدا می کند؛ البته من از منبعی شنیدم که می گفت در یکی از استان ها، برعکس، علی رغم بودن در دوره قرنطینه، نزاع خیابانی افزایش یافته بود و استدلال هایی برای این داشت که نمی خواهیم ورود کنیم.

در ایران در مدت کوتاه درباره کاهش یا افزایش

بزهکاری در گزارش ها یا مصاحبه ها آمار روشنی وجود ندارد. در کشورهای دیگر هم به همین صورت بوده، ولی جست و جوی گریخته آماری در اختیار است که عمده آن مبتنی بر آمار پلیسی یا آمار ظاهری است و چون هنوز منتهی به صدور حکم نشده، فقط گزارش است.

مشخص نیست که روند بزهکاری در آینده چگونه خواهد شد؛ زیرا دولت ها از جمله دولت خود ما هفته به هفته رصد و برای نحوه مقابله با این بیماری برنامه ریزی می کند؛ صرف نظر از اینکه تا چه حد با این سیاست موافق یا مخالف باشیم؛ چون در همه جای جهان به همین صورت هفتگی دارد پیش می رود. بیماری ناشناخته است؛ ولی می شود از تبعات اقتصادی و اجتماعی ناشی از این بحران در فضای ابهام آمیز سخن گفت و پیش بینی هایی کرد.

تضعیف فعالیت های تجاری و اقتصادی در جهان، منتهی به کاهش تولید، اخراج و تعدیل نیروهای انسانی در بسیاری از بخش ها و تعطیلی برخی از فعالیت های اقتصادی شده که ممکن است نتوانند مجدد فعالیت هایشان را شروع کنند. نظم اقتصادی و مناسبات اقتصادی و ملی و بین المللی به هم خورده است. سازمان بهداشت جهانی گزارشی را به طور مشترک با سازمان ملل متحد در همین چند روز اخیر منتشر کرد که در آنجا به صراحت از خطر قحطی در جهان سخن گفت. بسیاری از کشورها واردکننده مواد غذایی هستند، هنگام ایجاد اختلال در رفت و آمد کشتی ها و حمل و نقل بین المللی و امور تجاری، به احتمال زیاد این کشورها با قحطی مواجه می شوند. بیخود نیست در برخی کشورها برای خرید کالاهای ضروری به فروشگاه ها هجوم می آورند؛ این نشان دهنده شنیده شدن صداهای قحطی احتمالی در پاره ای از نقاط جهان است.